



## امپریالیسم آمریکا

### مترصد لحظه مناسب است

پس از چند ماه کشمکش، زدوبند و گفتگوهای پشت‌پرده میان قدرت‌های مهم امپریالیستی جهان، شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه پیشنهادی آمریکا را در مورد عراق تصویب نمود.

این که بده و بستان‌ها و توافقات پنهانی قدرت‌های بزرگ در این مورد چیست، تنها خودشان می‌دانند. اما قطعنامه در ظاهر امر به گونه‌ای تنظیم شده است که هم نظر فرانسه، روسیه و چین را تامین کند و هم آمریکا و انگلیس را، از سویی تصمیم‌گیری در مورد حمله نظامی و سرنوشت آتی عراق را ظاهراً از دست آمریکا در می‌آورد و به ارگان جمعی تصمیم‌گیری قدرت‌های بزرگ جهان یعنی شورای امنیت می‌سپارد که نظر فرانسه، روسیه و چین را تامین می‌کند.

چون آنها بر این نظر بودند که آمریکا خود به تنهایی یا به همراه انگلیس نمی‌تواند یا نباید عراق را مورد حمله نظامی قرار دهد و تصمیم‌گیری در این مورد را باید به سازمان ملل محول نماید که البته منظور از سازمان ملل هم کشورهای دارای حق وتو در شورای امنیت است. حالا قطعنامه، هم‌به نام شورای امنیت سازمان ملل صادر شده است و هم تصمیمات آتی در مورد عراق را به این شورا محول نموده است. از سویی دیگر چنان شرایط و مقرراتی در این قطعنامه گنجانده شده است که تامین‌کننده نظر آمریکا و انگلیس برای حمله نظامی به عراق باشد. در واقع جوهر قطعنامه ۱۴۴۱ شورای امنیت هم همین است و به این اعتبار باید گفت که این قطعنامه در وجه عمده خود، در خدمت مقاصد و اهداف امپریالیسم آمریکا و شریک کوچک‌تر آن انگلیس قرار دارد.

این قطعنامه از جهات مختلف به نفع آمریکا و در خدمت پیشبرد اهداف و مقاصد آن قرار دارد. اولاً: افکار عمومی جهان شدیداً و به نحو بی‌سابقه‌ای مخالف سیاست‌های جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا و نمایندگان سیاسی - اش امثال بوش است. قطعنامه شورای امنیت

صفحه ۲

## این نظام کهنه و ارتجاعی را ، (شرایط فوق‌العاده) هم نجات نخواهد داد!

کنند آن وقت رهبری اگر احساس نیاز کند، نیروی مردمی را برای مواجهه با مشکلات وارد میدان می‌کند!

گفتار آقای خامنه‌ای که بعداً توسط افراد وابسته به جناح او و روزنامه رسالت، سخن - گوی این جناح، به ضرورت اعلام شرایط فوق‌العاده و "شرایط جنگی" تعمیم یافت، البته نمی‌توانست بی‌زمینه باشد و بی‌زمینه هم نبود. اولاً اوضاع سیاسی بین‌المللی و سیاست‌هایی که دولت آمریکا و سایر متحدین وی در منطقه خاورمیانه دنبال می‌کنند و عموماً با هدف تقویت جناح معینی از بورژوازی وارد مناسبات می‌شوند، دایماً به زیان جناح خامنه‌ای رقم خورده است و

صفحه ۸

خامنه‌ای در دیدار اخیر خود با سران سه قوه و سایر مسئولین جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۲ آبان، باردیگر، حساسیت اوضاع کشور و تلاش‌هایی را که برای "فروپاشی درونی جامعه" صورت می‌گیرد، هشدار داد و در همین رابطه، "حراست از نظام" را "بزرگ‌ترین وظیفه" مسئولین، جناح‌ها و دستگاه‌های حکومتی خواند. رهبر "حکومت اسلامی" بعد از ارائه یک سری نصایح و توصیه‌ها در راستای تحقق "اهداف نظام" و توجه دادن حاضرین و مسئولین حکومتی به پرهیز از "درگیری و بهانه‌جویی" از یکدیگر که به "مصلحت‌نظام" نیست، سرانجام چنین هشدار داد که اگر موافق خواست او "قوای سه‌گانه نتوانند یا نخواهند مشکلات بزرگ را حل

## یاد صفر قهرمانیان گرامی باد!

ندامت توده‌های‌ها، زندان‌ها را فراگرفته بود، از او انسانی ساخت که مورد تحسین تمام مبارزین باهرگرایش فکری بود. در نیمه نخست دهه پنجاه که اعضاء و هواداران سازمان ما نقش اصلی را در مقاومت زندان‌ها در برابر رژیم شاه برعهده داشتند، صفر قهرمانیان به عنوان یکی از مظاهر مقاومت زندانیان سیاسی ازارج و احترام ویژه‌ای برخوردار بود. او نیز نزدیک‌ترین مناسبات را با زندانیان فدایی داشت. پس از قیام، کمیته مرکزی حزب رسوایی توده به خیال کسب اعتبار، صفر قهرمانیان را عضو "افتخاری" اش اعلام نمود. اما این اقدام ریا - کارانه حزب توده نه توانست اعتباری به آن بدهد و نه اعتبار صفرخان را خدشه دار کند. او همان انسانی که در زندان بود و خود را متعلق به تمام جنبش‌چپ می‌دانست باقی‌ماند و تا آخرین لحظات عمرش همان صفرخان باقی‌ماند. یادش گرامی باد!

صفر قهرمانیان، چهره شناخته شده استواری و مقاومت که ۳۰ سال از عمر خود را در زندان - های رژیم شاه سپری کرد، روز ۱۹ آبان ماه در سن ۸۱ سالگی درگذشت.

او که زاده روستای شیشوان بود، از درون شورش‌های دهقانی برخاست، به عضویت فرقه دمکرات آذربایجان درآمد و به درجه افسر ارتش فرقه ارتقاء یافت.

با سرکوب جنبش در آذربایجان، به عراق متواری شد و در آنجا دو سال در بند بود. در سال ۱۳۲۷ به ایران بازگشت، اما دستگیر و به اعدام محکوم شد. ۶ سال بعد، حکم اعدام او به ابد تقلیل یافت و تا سال ۱۳۵۷ که به دست توانای مردم آزاد شد، ۳۰ سال زندان را تحمل کرد، اما از پای در نیامد و تسلیم رژیم ستمگر شاه نشد.

این ایستادگی و مقاومت به ویژه در نخستین سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد که موج

### در این شماره

۳

بازهم اعدام در کردستان

در نبردی آشکار!

۵

نگاهی به وضعیت روزنامه نگاری و روزنامه نگاران در جمهوری اسلامی،

۷

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

۴

اخبار کارگری جهان

۲

اخباری از ایران

### دریایی از

پرچم‌های سرخ در فلورانس

(فوروم اجتماعی) (ESF)

۷

علیه کاپیتالیسم

## اخباری از ایران

### \* تجمع کارگران کشاورزی

روزدوشنبه بیستم آبان، دهها نفر از کارگران کشاورزی مزرعه قریشی، در برابر فرمان داری خوف، دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار رسیدگی به خواست های خود، منجمله برخورداری از بیمه تامین اجتماعی شدند. مطابق تصمیم اخیر کارشناسان جهاد کشاورزی، بیمه تامین اجتماعی ۶۰ تن از کارگران این مزرعه، حذف شده است. اگر چه در ابتدا با بستن در ورودی فرمانداری، از ورود کارگران مانعت به عمل آمد، اما سرانجام کارگران وارد فرمانداری شدند و نماینده کارگران در جلسه ای با حضور فرمان - دار و کارشناسان جهاد کشاورزی، به طرح مشکلات کارگران پرداخت. رسیدگی به مشکل کارگران به هفته بعد موکول شده است. لازم به ذکر است که نزدیک به ۲۰۰ کارگر به طور دائمی در این مزرعه مشغول به کار هستند که همگی آنها زیر پوشش بیمه تامین اجتماعی بوده اند.

### \* تجمع اعتراضی کارگران مهیاران

روز سه شنبه بیست و یکم آبان، کارگران کارخانه ریسندگی مهیاران اصفهان، باردیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر استانداری اصفهان، خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند. قابل ذکر است که این کارخانه در شهر صنعتی مورچه خورت قرار دارد و زیر پوشش بانک صنعت و معدن است. به گفته یکی از کارگران این کارخانه، مدیر کارخانه به علت بدهی در زندان است و بیش از ۱۱ ماه است که حقوق ۳۴۳ نفر از کارگران این کارخانه پرداخت نشده است. همین کارگر می گوید در طی این دوره، به علت مشکلات مالی، دوتن از کارگران دست به خودکشی زده اند، دو نفر از کارخانه فرار کرده اند و در سه مورد دیگر همسران کارگران جدا شده و طلاق گرفته اند.

### \* دو خبر کوتاه

- یکی از کارگران باز نشسته اداره برق بردسیر که به عنوان پیمانکار برای اداره برق کار می کرد، هنگامی که از تیر چوبی برق بالا رفته تا سیم های اتصال را آزاد کند، با شکستن تیر برق در اثر فرسودگی، به زمین سقوط کرده و در مسیر انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

- حدود ۶۰ نفر موتور سیکلت سوار، در حالی که پلاکاردی را که بر روی آن نوشته شده بود، "ما کار می خواهیم" با خود حمل می کردند، با حرکت در سطح شهر و عبور از خیابانهای تهران، در برابر مجلس تجمع کردند و خواستار کار شدند. موتور سواران نوشته های دیگری را نیز همراه خود داشتند که در آنها به بیکاری، ممانعت از کار موتور سیکلت های مسافرکش و محدودیت تردد موتور سیکلت ها در محدوده طرح ترافیک شهر، اعتراض شده بود.

## از صفحه ۱ امپریالیسم آمریکا مترصد لحظه مناسب است

سازمان ملل، می تواند توجیه حمایت "جامعه بین المللی" برای جنگ افروزی باشد. ثانیاً - مخالفت رقبای امپریالیست آمریکا با حمله نظامی آمریکا به عراق، تاکنون مانع از آن بود که آمریکا بتواند به سادگی برنامه نظامی خود را در مورد عراق به مرحله اجرا در آورد. استدلال ظاهری آنها و تقریباً همه دولت های جهان نیز این بود که سازمان ملل متحد باید در این مورد تصمیم بگیرد. حال پشنتوانه سازمان ملل نیز چاشنی اهداف و مقاصد آمریکا شده است و اهمیت این مسئله هنگامی روشن می گردد که در واقع دریابیم که قطعنامه شورای امنیت در حقیقت امریک اولتیماتوم نظامی به عراق است و دست آمریکا را برای حمله نظامی در آینده باز می گذارد.

قطعنامه ۱۴۴ شورای امنیت می گوید که عراق به قطعنامه های شورای امنیت در مورد تکثیر سلاح های کشتار همگانی و موشک های دور برد پای بند نبوده است، به تعهدات خود پای بند نبوده و این تعهدات را اجرا نکرده است، به این کشور آخرین فرصت را می دهد تا به همه تعهدات خود در قبال قطعنامه های شورای امنیت عمل کند. "عراق باید ظرف ۳۰ روز اطلاعات دقیق و کاملی از سلاح های شیمیایی، میکروبی، هسته ای، موشک های بالستیک و دیگر سیستم های پرتاب، هواپیماهای بدون سرنشین و غیره را در اختیار بازرسان قرار دهد. این بازرسان آزادی نامحدود در داخل عراق برخوردارند. نیروهای امنیتی ویژه خود را دارند و می توانند هر منطقه ای از عراق را تحت محاصره در آورند و آنرا منطقه ممنوعه اعلام نمایند. قطعنامه می گوید به عراق ۷ روز فرصت داده می شود که این قطعنامه را بپذیرد، در غیر این صورت با عواقب سختی روبرو خواهد شد. یعنی در واقع تماماً قطعنامه - ای ست که مورد نظر آمریکا بوده است. ثالثاً - این قطعنامه از آن جهت به نفع آمریکا - ست که کاملاً مطمئن خواهد شد، عراق دیگر هیچ سلاحی برای مقابله با آمریکا و یا هم - پیمانان آن در منطقه ندارد و با خیالی راحت تر برنامه های نظامی و سیاسی خود را پیش خواهد برد. اکنون رژیم عراق قطعنامه شورای امنیت را در موعد مقرر و ضوابط معین شده پذیرفته است، اما آیا این پایان ماجراست، و مردم عراق و منطقه می توانند امیدوار باشند که جنگی در کار نخواهد بود؟ ساده لوحی ست که کسی تصور کند، نزاع بر سر سلاح های کشتار دستجمعی و خطری ست که از این بابت بشریت را تهدید می کند، یا احیاناً نزاع به خاطر نجات مردم عراق از دیکتاتوری فردی کدام حسین است. اگر بحث بر سر نابودی سلاح های کشتار دستجمعی - ست، در آن صورت می بایست قدرتهای بزرگ جهانی این سلاح ها را نابود می کردند و حال آنکه همگان می دانند که بزرگترین زرادخانه - های سلاح های کشتار همگانی در اختیار قدرتهای امپریالیست جهانی است و تنها این نیست که این سلاح ها را در اختیار دارند، بلکه در هر کجا که منافعشان ایجاب کرده است، آنها را به کار

گرفته اند. وحشتناک تر از استفاده از بمب اتم هم می توان تصور کرد که دهها هزارتن از مردم ژاپن را به یک باره نابود کرد. تازه این مسئله به قدرت های بزرگ جهان نیز محدود نمی شود. در همین منطقه خاور میانه، اسرائیل، تبدیل به یک زرادخانه سلاح های اتمی، شیمیایی و میکروبی شده است. در شبه قاره هند، پاکستان و هندوستان نیز این سلاح ها را در اختیار دارند. پس روشن است که دعوا بر سر سلاح های کشتار دستجمعی و خطرات ناشی از آنها نیست. ادعای دفاع از حقوق و آزادی های مردم عراق نیز به همان اندازه بی پایه و اساس است. تمام رژیم - های منطقه خاور میانه، رژیم های ارتجاعی، ضد دمکراتیک اند و در همه آنها دیکتاتوری های عریان حاکم است. عراق یک استثنا نیست. ادعا می کردند که از آن رو به افغانستان حمله کرده اند که رژیم سرکوبگر و ضد دمکراتیک آن را براندازند و به جای آن رژیم دمکراتیک را قرار دهند. همین چند روز پیش بود که دهها جوان دانشجو را صرفاً به خاطر اعتراض در مورد مسائل صنفی شان به گلوله بستند و کشتند و صدایی هم از کسی در نیامد. پس اهداف و مقاصد واقعی آمریکا چیز دیگری ست. اصل مسئله، توسعه طلبی و جنگ طلبی آمریکا ست. امپریالیسم آمریکا برای تسلط هر چه بیشتر بر جهان تلاش می کند. انحصارات آمریکایی می خواهند تمام بازارهای منطقه خاور میانه و تمام منابع انرژی آن را به انحصار کامل خود در آورند. پیشبرد این سیاست، همراه با جنگ و اسارت و به بند کشیدن هر چه بیشتر مردم منطقه خواهد بود. عجیب نیست وقتی که امروز سران سیاسی و نظامی آمریکا از برقراری یک حکومت نظامی آمریکایی در پی سرنگونی صدام سخن می گویند. آنها طرح های فیلپینی دوران استعمار کهن را در دستور کار قرار داده اند. روزمره، نیروی نظامی و تجهیزات جنگی جدیدتری را وارد منطقه می کنند و خود را برای جنگ آماده تر می سازند. حتا روزنامه - های آمریکا از این که کدام ژنرال آمریکایی در پی سرنگونی صدام، حاکم عراق خواهد شد، سخن می گویند. آمریکا از قطعنامه شورای امنیت برای پیشبرد مقاصد خود استفاده می کند و منتظر لحظه مناسب برای حمله نظامی ست. بهانه و توجیه نیز همیشه وجود خواهد داشت و قطعنامه شورای امنیت به قدر کافی توجیه لازم را در اختیار آمریکا قرار داده است. بر این اساس باید گفت، حتا پذیرش تام و تمام قطعنامه شورای امنیت از سوی صدام که اکنون اعلام شده است، به معنای پایان خطر بروز جنگ در منطقه و اشغال نظامی عراق توسط آمریکا نیست. امپریالیسم آمریکا مترصد لحظه مناسب است.

### پوزش و تصحیح:

در شماره قبل نشریه کار مقاله برزیل و کارگر سابق که رئیس جمهور شد، صفحه ۱ سطر ۲ سانوپولو، همان سطر، ۲۷ سطر ۱۵ اپناسیوداسیلا، صفحه ۵ ستون ۱ سطر ۵، روزه سرا، ستون ۳ سطر ۲۳ سرمایه داران، صفحه ۷ ستون ۱ پنج سطر به آخر ۱۹۸۷، ستون ۳ سطر ۲۱ پیوسته تر، اشتباه تایپ شده است که ضمن پوزش از خوانندگان بدین وسیله اصلاح می گردد.

## این نظام کهنه و ارتجاعی را ، (شرایط فوق العاده) هم نجات نخواهد داد!

می شود و نتایج این سیاست هم در اغلب موارد، بروفق مراد سیاست گزاران تمام نشده است بماند، که در بسیاری از موارد نتایج کاملا معکوسی نیز به بار آورده است. مورد صدور حکم اعدام آماجری و دستگیری و حبس عباس عبدی نیز چنین است. این مسئله موجبات اعتراضها و انتقادات شدید جناح مقابل را فراهم ساخت. گروهی رئیس مجلس، با «ابراز تنفر و انزجار» از حکم اعدام آماجری آن را «ننگین» خواند، نایب رئیس مجلس محمدرضا خاتمی نیز، ضمن انتقاد از این احکام گفت که از طریق برخورد با آماجری و عبدی می خواهند از کسانی که جرات کرده و پایشان را از گلیم خود درازتر کرده اند، «زهرچشم» و «انتقام» بگیرند. رئیس جمهور نیز با اندکی تاخیر از صدور این حکم انتقاد کرد. افراد و ارگان های دیگری نیز که یا به نحوی از انحاء درجه دوم خرداد قرار می گیرند و یا از وضعیت موجود ناراضی اند، نسبت به صدور این احکام واکنش نشان دادند و از آن انتقاد کردند. به عنوان نمونه ۱۳۹ تن از فعالین سیاسی که در میان آنها اسامی چند تن از ملی- مذهبی ها و اعضاء نهضت آزادی و یا افراد مستقل دیگری نیز دیده می شود، با صدور بیانیه ای (۲۱ آبان) تفتیش عقاید را محکوم و نسبت به موانع موجود بر سر راه آزادی عقیده و بیان اعتراض کردند. اما مسئله همان طور که انتظار می رفت صرفا در این محدوده ها باقی نماند. زمینه های مادی و فضای مساعد جامعه، دامنه اعتراض و انتقاد را به سرعت از این چارچوبها فراتر برد و اعتراض های گسترده ای را در سطح جامعه دامن زد. علاوه بر هزاران تن از دانشجویان دانشگاه های مختلف واقع در تهران، همچون دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه تهران، علم و صنعت، بهشتی (ملی سابق)، دانشگاه آزاد، تربیت مدرس، علامه طباطبائی و... هزاران تن از دانشجویان در دیگر دانشگاه های کشور، منجمله در شیراز، اصفهان، مشهد، کرمان، تبریز، ارومیه، قم، همدان، یاسوج، یزد، ایلام و سایر شهرهای ایران نیز، دست به اعتصاب و اعتراض زدند و بابرپایی تجمعات اعتراضی، ضمن محکوم کردن احکام قوه قضائی، ناراضیاتی و تنفر خویش را از وضعیت موجود به نمایش گذاشتند. دانشجویان در تجمعات اعتراضی خود که در برخی از آنها، اساتید و کارکنان دانشگاهها نیز مشارکت داشتند، علاوه بر شعارهایی در محکومیت اعدام آماجری، شعارهای دیگری نیز از جمله، «هاشمی عراقی، این آخرین پیام است- جنبش دانشجویی آماده قیام است»، «مرگ بر استبداد»، «مرگ بردیکتاتور»، «چه کابل چه تهران- مرگ بر طالبان»، «ای رهبر پینوشه- ایران شیلی نمی شه»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «رهبر بروگمشو»، «خامنه ای محاکمه محاکمه» و امثال این شعارها سر دادند. اعتصابات و تجمعات اعتراضی دانشجویان تا این لحظه (دوشنبه ۲۷ آبان) همچنان ادامه دارد.

گر چه روابط عمومی قوه قضائیه با صدور اطلاعاتی عنوان کرد که این دستگاه «هرگز تسلیم جوسازی و غوغا سالاری نمی شود»

## بازهم اعدام در کردستان

رژیم جمهوری اسلامی در ادامه ی کشتارها و تشدید اقدامات سرکوبگرانه ی خود، طی دو سه هفته اخیر نیز چندین نفر دیگر را در شهرهای مختلف کشور به حبس افکنده و یا به جوخه اعدام سپرد.

بنابناطلاعه مورخ هفتم نوامبر دفتر نمایندگی کومله در خارج کشور، روز سه شنبه ۱۴ آبان، یکی از پیشمرگان کومله به نام مصطفی جولا و فرد دیگری به نام علی کاک جلیل اهل روستای بلچه سور مریوان، در زندان سپاه پاسداران این شهر و به بهانه توهین به مقدسات، بدون هیچ گونه حتما بازرجویی و یا محاکمهای، توسط مزدوران جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شدند.

اعدام این دو تن نیز مانند اعدام دهها تن دیگر در کردستان و سایر استان های کشور، در ادامه سلسله کشتارها و اقدامات سرکوبگرانه ای است که رژیم باهدف ایجاد رعب و وحشت در جامعه به آن دست می زند، با این خیال خام که قادر است از این طریق جلو مبارزات مردمان زحمتکش را که روزبه روز بردامنه ناراضیاتی و تنفرشان از رژیم حاکم افزوده شده است و بیش از پیش به مبارزه علنی علیه این نظام روی می آورند، مسدود کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) اعدام این دو نفر در کردستان و نیز تمامی جنایات و اقدامات سرکوبگرانه ی رژیم در سراسر ایران را قویا محکوم می کند و عموم مردم مبارز و رنج کشیده ایران را به تشدید مبارزه برای سرنگونی این رژیم ارتجاعی و ضد بشری فرامی خواند.

خواهان تداوم مبارزات اعتراضی تا آزادی تمام زندانیان سیاسی و تحقق حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی اند.

جنبش دانشجویی با حفظ استقلال خود از جناح - های حکومتی و تشکلهای وابسته، در تداوم خود می تواند تأثیرات مهمی روی سایر جنبش های اعتراضی بگذارد و نقش موثری در راستای نفی نظام حاکم ایفا کند. در این کارزار، دانشجویان کمونیست و نیروهای چپ انقلابی که برای براندازی نظام حاکم مبارزه می کنند، نقش و وظیفه مهمی در آگاهگری و سازماندهی این مبارزات و پیوند زدن آن با مبارزات اعتراضی کارگران برعهده دارند. این واقعیتی است که اکثریت عظیم مردم ایران از کارگران گرفته، تا دانشجویان، جوانان، زنان، معلمان و سایر اقشار زحمتکش، از نظام حاکم که آخرین روزهای عمر خود را سپری می کند بیزار و متنفرند و برای ایجاد یک نظام عادلانه و شورایی مبارزه می کنند. حال گیریم که آقای «رهبر» هم برای حفظ نظام حاکم به سر نیزه و سرکوب بیشتر متوسل شود، «شرایط فوق العاده» و «شرایط جنگی» و امثال آن اعلام کند، اما اینها هیچ کدام تأثیر در این مسئله ندارد که دانشجویان مبارز و انقلابی و اقشار زحمتکش مختلف مردم کارگر و زحمتکش از این نظام بیزارند و برای نابودی آن، دارند خود را آماده می کنند. این نظام کهنه و ارتجاعی را «شرایط فوق العاده» هم نجات نخواهد داد.

معهدا در همین اطلاعیه با عنوان کردن این که حکم اعدام آماجری در مرحله رسیدگی و قابل تجدید نظر است، نشان داد که عجلاننا به عقب نشینی در این زمینه تن داده است.

دوم خرداد ایها و مسئولین دولتی که از همان آغاز و به الحان مختلف از دانشجویان می خواستند خط و مرزهای مورد دلخواه آنان را چه در برگزاری اجتماعات و چه در طرح شعارها رعایت کنند، هم اکنون با برگزاری اجتماعات و تظاهرات دانشجویی رسما مخالفت کرده اند. شخص خاتمی نیز همان طور که انتظار می رفت با گفتن این که «مهم ترین تکلیف در این مقطع حفظ و تقویت نظام جمهوری اسلامی است» و این که «همه باید جهت تقویت نظام تلاش کنیم» به نصایح و توصیه های «رهبری» لیبیک گفت و بار دیگر نشان داد که در برابر «ساختار کلی نظام»، «تسلیم» است.

این موضوع بار دیگر به اثبات رسید که دوم خرداد ایها می خواهند از جنبش دانشجویی به عنوان یک ابزار فشار برای رسیدن به مقاصد خود استفاده کنند. هر موقع خواستند این جنبش، فعال شود و هر موقع به اهداف شان رسیدن آن را خاموش و دانشجویان را به سرکلاسها بفرستند. در عین حال این حقیقت نیز بار دیگر آشکار شد که جناح های حکومتی در برابر مردم و جنبش آزادی خواهانه و عدالت جویانه دانشجویی، دست در دست هم دارند.

هم «رهبری» و هم رئیس جمهور وظیفه و هدف اصلی شان حفظ نظام است. نصایح و توصیه های رهبری به قوای سه گانه و مسئولین حکومتی، و انتقال دست دوم این نصایح و توصیه ها به دانشجویان، با مانورهای تهدید آمیز و بخشا تحریک برانگیز، اما محدودی از سوی انصار حزب الله نیز توأم بود. «رهبری» مقدمه به میدان آوردن «تیروی مردم» برای مواجهه با مشکلات را در نماز جمعه ۲۴ آبان آغاز کرد. در پایان نماز جمعه تهران، چند ده نفر حزب الهی به سردستگی حسین الله کریم، در زمین چمن دانشگاه تهران، دست به مانور زدند. در قم، مشهد و برخی دیگر از شهرها نیز همین نمایش تکرار شد. برپا - کنندگان این نمایشات با شعارهایی چون «ای رهبر آزاده- آماده ایم آماده»، «ما اهل کوفه نیستیم- علی تنها پیمان»، «ای قوه قضایی - اقتدار افتد!»، «حزب ما حزب علی- رهبر فقط سید علی» و شعارهای دیگری از این قبیل به حمایت از خامنه ای و احکام قوه قضایی پرداختند.

اما این نمایشات حقارت آمیز، راه به جایی نخواهند برد. جنبش اعتراضی دانشجویی انعکاسی از ناراضیاتیها و اعتراض عمومی است. اگر دوم خرداد ایها می خواهند از شرایط موجود و از جنبش دانشجویی به مثابه ابزاری برای فشار بر جناح دیگر، اما در چارچوب حفظ نظم موجود استفاده کنند، افق دید و مبارزات دانشجویان اما بسیار فراتر از خواستها و امیال دوم خرداد ایهاست. دانشجویان از اهداف و نیت دوم خرداد ایها بی اطلاع نیستند. آنان نیز مانند اقشار زحمتکش مردم از هر موقعیتی نه فقط برای مبارزه علیه جناح مسلط حکومتی، بلکه برای ابراز نفرت و انزجار از کلیه مرتجعین و از نظام حاکم استفاده می کنند. دانشجویان

## اخبار کارگری جهان

\* اکوادور:

### تظاهرات علیه خصوصی سازی

روز ۷ نوامبر، زمانی که اجلاس وزیران تجارت و بازرگانی و کشاورزی ۳۴ کشور قاره آمریکا، آخرین موارد توافقات خود در زمینه خصوصی سازی صنایع کشاورزی و میزان کمکی دولتی به این صنایع را روی کاغذ می آوردند، بیش از ۱۰ هزار نفر در میدان مقابل محل برگزاری این اجلاس گردهم آمده و اعتراض خود به مصوبات این نشست را به نمایش گذاشتند. این توافقات در چارچوب قرارداد نفتا - قرار داد تجارت آزاد در آمریکای شمالی - به تصویب رسیده و پی آمد مشخص آن برای کشور - های تحت سلطه آمریکای لاتین چیزی جز تشدید فقر و فلاکت میلیونها کارگر کشاورزی و دهقان تهیدست نبوده است. همین قرارداد میلیونها دلار دسترنج کارگران و زحمتکش سراسر قاره آمریکا را به نام کمکی دولتی به جیب صاحبان مجتمع های عظیم کشت و صنعت در آمریکا سرازیر نموده و در همین حال هزاران دهقان کم زمین را با ورشکستگی کامل روبرو نموده است. این حرکت اعتراضی به دعوت جنبش سراسری ضد نفتا که متشکل از دهها اتحادیه کارگری، سازمانهای دانشجویی و دمکراتیک است، برگزار شد. در قطعنامه پایانی این تظاهرات و راهپیمایی از جمله چنین آمده است: این قرار داد، گذشته از خصوصی سازی بخش کشاورزی، گسترش سرمایه خصوصی در دیگر بخشهای اقتصاد به ویژه صنایع تامین انرژی و آبرسانی عمومی را در دستور کار خود قرار داد که نتیجه مستقیم این اقدامات نیز چیز دیگری جز افزایش بیکاری و گسترش وسیع فقر و بیکاری در میان میلیونها کارگر و زحمتکش سراسر قاره آمریکا نخواهد بود. بدون شک اعتراضات کارگران و زحمتکش قاره آمریکا علیه این اجحافات آشکار ثروتمندان تا توقف این اقدامات ادامه خواهد یافت.

\* السالوادور:

### ادامه تظاهرات علیه خصوصی سازی

پس از ورشکستگی کامل اقتصاد آرژانتین در اواخر سال گذشته که به دنبال خود اعتراضات همه جانبه میلیونها نفر در این کشور را به دنبال داشت، موج بحران در اوایل سال جاری مسیحی به کلمبیا رسید و میلیون ها کارگر و زحمتکش این کشور کوچک آمریکای لاتین نیز در آستانه گرسنگی و فقر مطلق قرار گرفتند. اکنون به نظر می رسد که گردباد بحران به السالوادور رسیده است. تعمیق روز افزون بحران اقتصادی موجی از اعتراضات توده ای را در این کشور به راه انداخته و سراسر ماه اکتبر دهها شهر این کشور شاهد برپایی اعتصابات و تجمعات اعتراضی علیه سیاستهای اقتصادی دولت این کشور بود. تنها نزدیک به ۴۰ روز از اعتصاب همه جانبه هزاران کارگر و کارمند شاغل در بخش خدمات بهداشتی این کشور می گذرد. در این مدت اعتصابیون در سر کارهای خود حاضر شده ولی دست به کارنرزه - اند. در همین راستا روز ۶ اکتبر راهپیمایی و تظاهرات وسیعی در شهر سان سالوادور بر پا شد. گذشته از این، روز ۱۲ اکتبر بیش از ۲۸ هزار نفر از کارگران کشاورزی و دهقانان تهیدست این کشور به مناسبت روز جهانی اعتراض علیه قرارداد تجارت آزاد در آمریکای لاتین در مناطق مرزی این کشور تجمع نموده و اعتراض خود را علیه این قرار

داد به نمایش گذاشتند. در طی این روز ۱۱ مدخل ورودی به السالوادور کاملاً مسدود شد و اعتصابیون خواستار توقف خصوصی سازیها و پایان دادن به سیاست های ظالمانه دولت این کشور شدند. در این حرکت صدها نفر از کارگران اعتصابی بخش خدمات درمانی این کشور نیز شرکت داشتند. اما این پایان اعتراضات کارگران و زحمتکش این کشور نبود. روز ۲۳ اکتبر مجدداً خیابان های شهر سان سالوادور شاهد برپایی بزرگ ترین حرکت اعتراضی در تاریخ این کشور علیه سیاستهای اقتصادی دولت بود که بیش از ۲۰۰ هزار نفر در آن شرکت داشتند. در این روز تمامی ۱۰ بیمارستان دولتی در شهر سان سالوادور به طور کامل تعطیل شد و تمامی پرسنل این بیمارستان ها به همراه بیماران، رانندگان وسایط نقلیه شهری، کارگران و کارمندان شاغل در خدمات شهری و بالاخره هزاران کارگر شاغل در نیروگاههای تولید برق این کشور دست از کار کشیدند و در خیابان های پایتخت دست به راهپیمایی زده و با برپایی تجمع در میدان مرکزی شهر عزم جزم خود را برای به عقب راندن سرمایه داران به نمایش گذاشتند. گذشته از این ماموران پلیس بایستن تمامی راههای ورودی به شهر سان سالوادور از ورود بیش از ۷۰ اتوبوس حامل تظاهرکنندگان به این شهر جلوگیری کردند. اما به رغم تمامی این تشبیهات، اعتصابیون در این روز نه تنها خواهان توقف فوری خصوصی سازی خدمات درمانی شدند بلکه اقدامات دولت در راستای سپردن خدمات تولید و انتقال برق در سراسر السالوادور را محکوم کردند و خواستار آزادی فوری رهبران اعتصابات کارگری نیروگاههای برق این کشور شدند.

\* ایتالیا: تظاهرات بیش

### از ۵۰۰ هزار نفر علیه جنگ

روز های ۹ و ۱۰ نوامبر شهر Firenze در ایتالیا شاهد گردهم آبی دهها هزار نفر از فعالین کارگری، دانشجویی و مجامع دمکراتیک بود که به دعوت "فوروم اجتماعی اروپا" از کشورهای مختلف اروپا و آمریکا در این نشست وسیع شرکت کرده بودند. در روز اول این گردهم آبی تظاهرات عظیم ضد جنگ در این شهر برگزار شد که بیش از ۵۰۰ هزار نفر و به گفته برخی منابع خبری، نزدیک به یک میلیون نفر در آن شرکت داشتند. این تظاهرات عظیم تمام شهر را تحت الشعاع خود قرار داد. در حالیکه طول مسیر راهپیمایی در این روز ۱۳ کیلومتر معین شده بود، اما زمانی که اولین صفوف راهپیمایان به محل تجمع این تظاهرات رسید، هنوز صف ۱۳ کیلومتری راهپیمایان به طور کامل به حرکت در نیامده بود. این تظاهرات عظیم بار دیگر نشان از ظهور یک جریان وسیع و چپ و رادیکال در سراسر ایتالیا داشت که مبارزه علیه اجحافات آشکار سرمایه داران و دولت دست راستی این کشور از جمله نکات مورد توافق آن می باشد. در روز دوم این گردهم آبی هم بیش از ۶۰ هزار نفر گرد هم آمدند و در مورد سیاستهای جدید امپریالیستهایت عنوان "جهانی سازی" و تلاش های جنگ طلبانه آنها و راه های مختلف مقابله با این اقدامات به بحث و گفتگو نشستند. گذشته از این، روزهای آغازین ماه نوامبر، شاهد گسترش مجدد اعتراضات ضد جنگ در بیش از ۲۵ شهر آمریکا بود. بزرگ ترین این رشته از حرکات ضد جنگ، تظاهرات بیش از ۱۵ هزار نفر در شهر نیویورک بود که در روز ۳ نوامبر برگزار شد.

\* اعتصاب کارگران

### راه آهن در شمال انگلستان

روز ۲ نوامبر، برای بیستمین بار در طول سال

## آکسیون در دفاع از پناهجویان ایرانی در ترکیه

به دعوت شورای هماهنگی نیروهای کمونیست و چپ انقلابی در استکهلم، روز چهارشنبه سیزده نوامبر، آکسیونی در دفاع از حقوق انسانی و اجتماعی پناهجویان ایرانی در ترکیه، در برابر دفتر امنستی و دفتر سازمان ملل در استکهلم برگزار گردید. در این آکسیون نسبت به نحوه برخورد UN ترکیه در مورد پناهجویان ایرانی شدیداً اعتراض شد و در نامه ای که در همین رابطه تهیه شده و به نهاد های فوق ارائه شد، سیاستهای سخت گیرانه دفتر کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل در آنکارا محکوم شده است. در این نامه هم - چنین به خودکشی یکی از پناهجویان ایرانی به نام کامران فرمانده، به عنوان اعتراض به پذیرفته نشدن درخواست پناهندگی اش اشاره شده و گفته شده است که "گروهی از پناهجویان ایرانی متشکل از ۷ خانواده که تعدادی زن و کودک در میان آنها هستند وضعیت مشابهی دارند و اعلام کرده اند که در اعتراض به تصمیم کمیساری عالی سازمان ملل در ترکیه، یکی بعد از دیگری دست به خودکشی خواهند زد و ترجیح می دهند که در ترکیه بمیرند تا به دست جانیان جمهوری اسلامی اسیر شوند." در این نامه همچنین خواسته شده است که برای نجات جان کامران، فوراً اقدامات لازم اجرا شود، پرونده های گروه فوق فوراً بازگشایی و به آن رسیدگی شود، کمساری عالی پناهندگی سازمان ملل در ژنو، برای بررسی نتایج عملکرد سیاست های دفتر این سازمان در آنکارا، به ویژه بررسی زمینه ها و علل خودکشی کامران، فوراً هیئتی را به ترکیه اعزام کند.

جاری، تمامی کارگران و کارکنان خطوط راه آهن شمال انگلستان که توسط شرکت Arriva اداره می شود، دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. اعتصابیون که خواستار افزایش دست - مزدهای خود متناسب با نرخ تورم هستند، با پیشکنهات کارفرما مخالفت کرده و اعلام نمودند که در صورت مخالفت با خواسته های آنان، اعتصابات دیگری را در روزهای پایانی سال جاری تدارک خواهند دید.

\* سوئیس: بزرگ ترین

### اعتصاب کارگران ساختمان

روز ۴ نوامبر هزاران نفر از کارگران ساختمانی در سراسر سوئیس دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. این حرکت در نیم قرن اخیر بی سابقه بوده و به گفته رهبران آن با پیروزی کارگران همراه بود. خواست اعتصابیون در این روز کاهش سن بازنشستگی پیش از موعد به ۶۰ سال بود. با این که اتحادیه کار - فرمایان در اوایل سال جاری مسیحی با این خواست کارگران موافقت کرده بود، اما در اواخر ماه سپتامبر نمایندگان کارفرمایان اعلام نمودند که به دلایل مشکلات اقتصادی حاضر به پذیرش خواست کارگران نیستند. اعلام این خبر خشم کارگران را برانگیخت و تنها در شهر ژنو تقریباً تمامی پروژه های ساختمانی در پی اعتصاب ۴ نوامبر به تعطیلی کامل کشانده شد و در چند شهر، از جمله شهر Biel کارگران دست به راهپیمایی زدند و خواستار پذیرش مجدد خواست خود شدند. کارگران اعلام نمودند که این آخرین حرکت اعتراضی آنان نبوده و در صورت ادامه مخالفت کارفرمایان با خواست آنها، مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد.

## در نبردی آشکارا!

نگاهی به وضعیت روزنامه نگاری و روزنامه نگاران در جمهوری اسلامی،

مقاله زیر را که حاوی اطلاعات مفیدی در زمینه روزنامه نگاری است، یکی از خوانندگان برای ما ارسال نموده است. نشریه کار ضمن تشکر از این خواننده، به درج آن اقدام می‌کند.

رهبان رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در ۵ سال اخیر بلکه در دو دهه گذشته همواره به عنوان درنده خوترین دشمنان آزادی بیان، مطبوعات و رسانه‌ها در جهان شناخته شده‌اند.

ارگان‌های فرهنگی - امنیتی و گروه فشار شبه نظامی جمهوری اسلامی همواره سخنان رهبان پیشین و فعلی این نظام را علیه آزادی مطبوعات در خطبه‌ها، بخش‌نامه‌ها و بولتن‌هایشان تکرار می‌کنند. در واقع تهدید مطبوعات آزاد و مستقل و روزنامه نگاران از همان فردی قیام بهمین برخلاف وعده‌های خمینی در نوفل لوشاتو توسط وی و سایر سردمداران حکومت به ویژه خامنه‌ای و رفسنجانی آغاز شد و به گونه‌ای که این تهدیدات مستقیم و پنهانی همواره باعکس‌العمل گروه فشار یعنی حزب الله و یورش آنها به دفاتر روزنامه‌ها و واکنش قوه قضائیه در توقیف نشریات یا زندانی کردن روزنامه نگاران مبارز و آزاداندیش پیوند خورده است، به این ترتیب حمله به فروشندگان نشریاتی چون «کار» از همان ماه پس از قیام تا دستگیری، شکنجه و تیرباران نویسنده و روزنامه‌نگاری برجسته چون سعید سلطانپور و سرانجام حمله و توقیف صدها مجله و روزنامه (از ایندگان و تهران‌مصور و چلنگر در ماه‌های نخست تا توقیف یکباره نشریات نیمه علنی و علنی مخالف در شبکه کودتای ۳۰ خرداد ۱۳۶۰) همواره با تأیید رهبر رژیم اسلامی صورت می‌گرفته است.

این وضعیت در سال‌های اخیر نیز ادامه یافته است. خامنه‌ای نیز همچون سلف پیشین خود هر چند گاه مجوز حمله، توقیف و ترور علیه روزنامه نگاران مستقل را صادر کرده است. اما به نظر می‌رسد پس از ریاست جمهوری خاتمی برخی از محافل فرهنگی - سیاسی مقیم خارج از کشور در این زمینه دچار نوعی سردرگمی شده‌اند و برخی نیز بی‌علاقه نیستند تا این دوران را نوعی گلاسنوست بخوانند و وعده‌های اصلاح طلبان را باور کنند؛ بنابراین گاه در موضع‌گیری‌های خود به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی موضوع اصلی مبارزه برای آزادی بیان در ایران نه تمامیت رژیم جمهوری اسلامی حاکم بر ایران و دیکتاتوری پلیسی - نظامی آن، بلکه تعرض جناح‌های اصلاح‌گرا و واپس‌گراست. از سوی دیگر برخی محافل فرهنگی - سیاسی تبعیدی در برخورد با شرایط نوین و وضعیت روزنامه نگاران ایرانی دچار تردیدهای فراوانی هستند زیرا در یک نگاه کلی و از دور چنین به نظر می‌رسد که دلیل اصلی چنین وضعیتی جنگ جناح‌ها در حاکمیت و ضربه‌پذیری جناح موسوم به اصلاح‌گراست و این در حالیتیست که بخشی از روزنامه نگارانی که زیر ضربه قرار می‌گیرند علنا و یا تلویحا وابسته به جناح خاتمی تلقی می‌شوند.

در اینجا تنها می‌خواهیم به برخی از مولفه‌های اصلی وضعیت روزنامه نگاری در ایران اشاره کنیم تا هم به یاری تعبیر افراطی (چپ‌روانه یا راست‌روانه) پاسخ گفته باشیم و هم شمایی کلی از این وضعیت را برای برخورد منطقی با آن رو نهاده باشیم. نخست می‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا میان جناح خاتمی و جناح واپس‌گرای رژیم در برخورد با روزنامه نگاران و مطبوعات تفاوتی وجود دارد؟ واقعیت آن است که در سال‌های حاکمیت مطلق جناح موسوم به چپ (تا دهه ۷۰ و رهبری خامنه‌ای) نه تنها تفاوت آشکاری میان عملکردهای این دو جناح در برخورد با فرهنگ و رسانه‌ها وجود نداشته است بلکه پی‌ریزی برخی از سیاست‌های مدون در کنترل و سانسور رسانه‌ها (صدا و سیما، سینما و مطبوعات) محصول همین دوران است. (۱) سرکوب، دستگیری، شکنجه و ترور روشنفکران و روزنامه‌نگاران مستقل و یاب‌تعبیر کارگزاران فرهنگی رژیم «غیرخودی‌ها» در امتداد سرکوبها و کشتارهای مخالفان سیاسی در دوران حاکمیت‌امثال خاتمی در مناصب فرهنگی و حجابیان در مناصب امنیتی نیز با همان شدتی که در دهه ۷۰ و هم اکنون نیز جریان دارد، ادامه داشت.

اما از اواسط دهه ۷۰ رژیم کوشید تا با دست زدن به برخی مانورهای در برابر امواج سهمگین اعتراضات و خیزش‌های مردمی و به ویژه نسل جوان مقاومت کند؛ بنابراین میان دو جناح بر سر نحوه انجام مانور اختلافات گسترده تری پدید آمد که این اختلافات در برخی مواقع سبب بروز گسست در ساز و کارهای امنیتی زده و فعالیت‌های فرهنگی می‌شد و امکان‌آباد برخی مطبوعات مستقل و یا نهادهای مدنی رافراهم می‌آورد.

به گمان ما، نه جناح خاتمی و نه جناح راست افراطی هیچ یک حتما خواهان تسهیل شرایط فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای نیستند؛ بلکه این وضعیت بحرانی جامعه و مطالبات روز افزون مردم است که سبب این شود تا در برخی مقاطع رژیم تن به عقب‌نشینی بدهد تا بار دیگر برای سرکوب و کشتار خود را بهتر تجهیز کند.

اکنون ببینیم ساز و کار فعالیت فرهنگی و رسانه‌ای در ایران چگونه است تا بتوانیم به این سؤال پاسخ دهیم که آیا می‌توان در برابر فعالین فرهنگی و مطبوعاتی در ایران موضعی منطقی داشت؟ در نظام جمهوری اسلامی هرگونه فعالیت فرهنگی و رسانه‌ای مستلزم کسب مجوز از مراجع دولتی‌ست. در مورد نشریات علاوه بر تأیید مدیر مسئول و صاحب امتیاز توسط وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی و دادگستری، فهرست دست اندرکاران اصلی نشریه نیز باید به تأیید مراجع سه گانه بالا و به ویژه وزارت ارشاد رژیم برسد. تأیید دست اندرکاران اصلی نشریه اگر چه می‌تواند در ابتدای امر ملاک خوبی برای قضاوت درباره میزان وابستگی نشریه و گردانندگان آن باشد ولی گاه نیز اتفاق افتاده است که در برخی موارد مراد اصلی از تأیید برخی از روزنامه نگاران مستقل و دارای سابقه فعالیت‌سیاسی توسط ارکان فرهنگی - امنیتی رژیم محک زدن فعالیت‌های آنان و گاه دست‌یابی به بهانه‌های تازه برای اعمال فشار، تهدید و بازجویی و دستگیری مجدد آنهاست. با این حال در تمام موارد بر مبنای قانون مطبوعات مدیرمسئول و صاحب امتیاز نشریه نباید سابقه فعالیت مخالفت‌آمیز علیه رژیم داشته باشد. نگاهی به‌اسامی و سوابق این افراد نیز نشانگر آن است که اغلب آنان در برخی مقاطع با برخی از ارکان رژیم همکاری کرده‌اند.

در مورد تهیه برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی یا مستند نیز روند مشابهی وجود دارد با این تفاوت که چون صدا و سیما و وزارت ارشاد اسلامی رژیم پخش کننده و توزیع کننده اصلی محصول نهایی هستند بررسی سوابق و تأیید لیست همکاران توسط حراست و در مورد افرادی که به استخدام در می‌آیند توسط گزینش صورت می‌گیرد. در صدا و سیما علاوه بر شرایط علنی برای متقاضیان برنامه‌سازی، شرایط اختصاصی پنهانی نیز وجود دارد مبنی بر آنکه حتی المقدور دست اندرکاران اصلی برنامه که از خارج از سازمان وارد کار می‌شوند باید وابسته به جناح راست‌افراطی باشند. این مورد به ویژه در معاونت سیاسی صدا و سیما که در سلسله هیئت متولفه اسلامی ست و محصولات آن حساس‌تر، نیز هست؛ شدیداً مورد تأکید است. با این حال صدا و سیما علاوه بر اعمال نظارت در کلیه مراحل بر برنامه تولیدی، با معرفی تهیه‌کننده، مدیر تولید و اخیراً نیز ناظر کیفی محصول را به گونه‌ای کنترل می‌کند که کاملاً با سیاست‌های رسانه‌ای حاکم بر صدا و سیما که مستقیماً زیر نظر خامنه‌ای اداره می‌شود هماهنگ باشد با این حال تهیه برخی برنامه‌های علمی و مستند ممکن است با دخالت‌ها و وکنترل‌های شدید همراه نباشد اما در مورد برنامه‌های رویتین و زنده حساسیت و فیلترهای زیادی در صدا و سیما وجود دارد.

اداره کل نظارت و ارزش‌یابی معاونت سینمایی ارشاد نیز به همین شیوه ضمن تأیید لیست دست اندرکاران به معرفی افراد مورد نظر خود به عنوان کارگردان، مشاور فیلمنامه نویس، مشاور کارگردان، تهیه‌کننده، سرمایه‌گذار، مدیر برنامه و... به متقاضی تولید فیلم می‌پردازد. (۲) بنابراین دستگاه‌های امنیتی - فرهنگی رژیم در برابر لیست اعضای ثابت و اصلی تحریریه‌های مطبوعات و برنامه‌سازان رادیو - تلویزیون، فیلم‌سازان و صاحبان اصلی موسسه‌های فرهنگی - هنری تبلیغاتی و چاپخانه‌ها حساسیت کم و بیش زیادی از خود نشان می‌دهند. با این حال گاه به گاه نیز برخی رخنه‌ها امکان‌پذیر است؛ اما تنها در سطوح میانی و پایین و مثلاً در اعضای غیرثابت تحریریه‌ها که به صورت حق التحریری کار می‌کنند و یا افرادی که به صورت موقت و حق الزحمه‌ای با صدا و سیما، ارشاد و سایر ارکان فرهنگی کار می‌کنند. با این همه این افراد برای استخدام رسمی باید به گزینش و حراست اعزام شوند. (۳) در نتیجه به طور مطلق نمی‌توان افرادی را که در سطوح میانی و پایین ارکان فرهنگی کشور فعالیت می‌کردند کاملاً وابسته به رژیم تلقی کرد زیرا اتفاقاً همین گروه عظیم هستند که بیشترین تلفات و مصائب را متحمل می‌شوند تا با به هم‌رنگی با ظواهر و مناسک حاکم بر این دستگاه‌ها تن در دهند و یا به کلی حذف و اخراج شوند و به خیل کلان بیکاران دارای تحصیلات عالی افزوده شوند.

هیپوکراسی گسترده در جامعه کنونی سبب شده است تا تقریباً کلیه کارکنان دواپردولتی و حکومتی در ظاهر به سیاست‌های حکومتی تن در دهند اما در نهان در راه عملی شدن این سیاست‌ها تاخیر و یا کارشکنی کنند؛ آنچنان که گاه برخی نهادهای دولتی حتا کارکنان رسمی خود با سابقه بیش از ده سال را نیز مجدداً به گزینش اعزام می‌کنند و یا از آنها آزمون - ها و مصاحبه‌های عقیدتی و سیاسی به عمل می‌آورند تا میزان پایبندی آنها به فرامین و مواضع سران نظام رادریابند. این بحران درونی که زائیده نظام توتالیتاراسلامی‌ست سبب می‌شود که روسا و مدیران ادارات فرهنگی و رسانه‌ای رژیم همواره در سایه‌ای از شک و تردید و توهم توطئه به سر برند. واقعیت آن است که شواهد بسیاری وجود دارد که حتا حامیان منتصب

## در نبردی آشکارا!

### نگاهی به وضعیت روزنامه نگاری و روزنامه نگاران در جمهوری اسلامی،

سابق حکومت که اکنون در رده‌های مدیریتی میانی قرار دارند روز به روز سعی می‌کنند بیشتر خود را از جنایات و اقدامات ننگین جمهوری اسلامی کنار بکشند.

سؤال بعدی می‌تواند در باره ماهیت روزنامه نگاران و صاحبان نشریاتی باشد که در ۵ سال اخیر تحت فشار قوه قضائیه وارگان غیر رسمی سرکوب آن یعنی انصار حزب الله و بسیج قرار گرفته اند.

نگاهی به اسامی اکثریت صاحبان نشریات دوم‌خردادی و منتقد جناح راست و روزنامه نگاران اصلی این نشریات واقعیت قابل توجهی را آشکار می‌سازد که عملاً و عمداً از سوی برخی از محافل روشنفکران نادیده گرفته می‌شود و آن این است که گردانندگان اصلی این نشریات خود از سردمداران اصلی رژیم و از آمران ترور و کشتار مخالفان سیاسی و فرهنگی در دهه ۶۰ بوده اند کافی ست تا به اسامی مدیران مسئول و سردبیران این نشریات و روزنامه‌ها چون جامعه، سلام، خرداد، بیان، صبح‌امروز، حیات نو و... . . . . . نگاه می‌بینیم، مسلماً در حافظه تاریخی بخش قابل توجهی از مردم هنوز این نام‌ها مترادف سرکوب، ترور و قتل عام مخالفین است. اما آیا کنار گذاشته شدن آنها از حاکمیت توسط باند خامنه‌ای - رفسنجانی سبب نشده است تا آنها خود را در موضع اپوزیسیون درون حاکمیت فرض کنند و کاروان اصلاحات را به راه بیاورند؟ پاسخ ما مسلماً مثبت است. باین همه این امکان وجود دارد که برخی رده‌های پائین تر گردانندگان چنین نشریاتی واقعاً تعبیری - مذهبی‌ها به "استحاله‌درونی" رسیده باشند. اما ما تاکنون هیچ گونه انتقاد از خود قابل قبولی از آنها در مورد عمل - کرد آنها در زمان حاکمیت خود ندیده‌ایم (صرف‌نظر از این که اصلاً این انتقاد از خود به دلیل مسئولیت‌های پیشین آنها در مورد قتل عام‌ها و سرکوب‌های گسترده در دهه ۶۰ را می‌توان پذیرفت یا خیر!) بنابراین بدیهی‌ست که فرض اولیه در مورد صاحبان این نشریات، نویسندگان اصلی و گردانندگان آنها می‌تواند چنین باشد که این جناح تنها در آرزوی دست - یابی مجدد به قدرت بلامنازع است و از طریق یک کارزار رسانه‌ای و یاجانگه خود می‌گویند "فشار از پائین و چانه زنی از بالا" درصدد کسب مقبولیت اجتماعی و کنار زدن حریف با تکیه بر ساز و کارهای قانونی (انتخاب، رفراندوم و...) است.

اما واقعیت این است که تحولات پرشتابی که از سال ۷۶ و به ویژه پس از شبه قیام ۱۸ تیر ماه مطالبات جامعه رافارغ از تعرض‌های جناح‌ها به مرحله رودررویی نهایی باتمامیت نظام اسلامی کشانده است، فضای را پدید آورده است که امکان بهره برداری از همین تعارض‌ها و تشدید آنها به قصد یاری رساندن به خیزش‌های اجتماعی رافراهم آورده است. بخش مهمی از بدنه اصلی نشریات مستقل و حتا کارکنان موسسات فرهنگی و رسانه‌ای حکومتی و دولتی تنها به قصد دستیابی به فرصت‌ها و شرایط مطلوب برای زیرسؤال بردن و تضعیف پایه‌های حکومت و قدرت مذهبی به کار در این نهادها می‌پردازند.

کوتاه سخن آنکه اگر چه حمایت از آزادی بیان، مطبوعات و رسانه‌ها و نیز محکومیت سرکوب و توقیف مطبوعات در ایران باید همواره در دستور کار سازمان‌های انقلابی و مبارزان و روشنفکران آگاه قرار گیرد اما پیش از هر چیز باید بدانیم که چه کسانی باید مورد حمایت قرار گیرند و چرا؟ زیرا بدیهی‌ست که روزنامه نگاران و نشریاتی که وابستگی ارگانیک به یکی از جناح‌های حکومت ندارند و همواره نیز در صف اول قربانیان ترور و سرکوب نهاد‌های رسمی و غیر رسمی ترور و اختناق قرار دارند بیش و بیش از همه باید مورد حمایت قرار گیرند، روزنامه نگاران و نشریاتی که معمولاً کمترین‌ها از آنها به میان می‌آید و یکی از جناح‌ها (واکنش جناح موسوم به چپ) آنها را به خود منتسب نمی‌کنند و به تعبیر رهبرشان "غیرخودی" محسوب می‌شوند.

بدیهی‌ست که رژیم بحران زده جمهوری اسلامی که روز به روز از مشروعیت و اعتماد بخشی آن در نزد توده‌های مردم و به ویژه کارگران، معلمان، دانشجویان و حتا بدنه‌های اصلی ارکان فرهنگی و امنیتی کاسته می‌شود در آخرین لحظات عمر خود به افزایش فشار، تهدید و ارباب‌زدانی کردن متفقان سابق، تواب سازی زیر شکنجه و سرکوب شدید "غیرخودی" - ها و "نفوذی" ها در تمام زمینه‌های فعالیت‌های فرهنگی خواهد پرداخت. اما آن چه روشن است پدیداری چشم‌انداز نزدیکی از سرنگونی انقلابی و قهرآمیز این حکومت توتالیتر در پرتو مبارزات روشنفکران و روزنامه نگاران مبارزی ست که با انگیزه رویارویی با تمامیت نظام اسلامی و تبلیغ آترناتیو انقلابی در کنار کارگران، دانشجویان، زنان، معلمان، اساتید، بیکاران، دهقانان و به ویژه نسل طغیان زده جوان به پیکار برای بنای جامعه‌ی نوین و آزاد می‌پردازد.

پانویس‌ها:

۱- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، سیاست‌های هدایتی - ارشادی در زمینه سینما از طریق مقررات سالیانه تولید فیلم و ضوابط اجرای نمایش،

موسیقی و همچنین آئین نامه اداره صدا و سیما همگی درسالهای ۶۲ تا ۶۸ شکل گرفته اند، بر مبنای همین قوانین و ضوابط است که متقاضیان هرونوع فعالیت فرهنگی و رسانه‌ای باید از فیلترهای گزینشی متعددی عبور کنند و اولویت در تمام مراحل با عوامل نام و نشان دار رژیم تحت عنوان رزمنده و ایثارگر است.

۲- وزارت ارشاد اسلامی و صدا و سیما رای کنترل دقیق‌تر و در عین حال غیرانسانی تر کارکنان علاوه بر ملزم کردن آنها به رعایت دقیق ضوابط، دوایر بازرسی و نظارت را نیز برای انقیاد آنان وارد کارزار می‌کنند. وزارت ارشاد به بهانه حمایت از هنرمندان در سالهای اخیر بخش‌هایی از صفوف را به استخدام خود در آورده که لاجرم هر استخدامی مستلزم طی مراحل اداری و گزینش است، همچنین معاونت مطبوعاتی ارشاد نیز قصد داشت تا در سال ۷۴ کلیه شاغلین به کار در مطبوعات راتحت نظارت خود قرار دهد و به آنها کارت ارشاد بدهد که این امر با مقاومت روزنامه نگاران روبرو شد. درسالهای اخیر، پدیداری برخی نهادهای صنفی مانند خانه سینما وانجمن صنفی روزنامه نگاران سبب شده‌است تا کنترل مستقیم ارشاد بر فعالین فرهنگی کم رنگتر شود اما به دلیل وابستگی این نهادها به مراجع قدرت این کنترل رنگامیه‌ای شده تا بیپناه نی‌شود. در صدا و سیما هیچ تشکل و یا واحد صنفی تحمل نمی‌شود با این همه دو سوم کارکنان صدا و سیما راحق‌الزحمه‌ای‌ها و قراردادی‌های موقت تشکیل می‌دهند که برای استخدام باید به هیئت‌گزینش بسپارند. صدا و سیما اعزام شوند. صدا و سیما می‌تواند هر زمان که تشخیص دهد کارکنان حق‌الزحمه - ای و قراردادی موقت خود رابه بهانه نافرمانی بدون پرداخت هیچ حقوقی (این افراد تحت پوشش قانون کار نیستند) اخراج نماید. حقوق روزانه کارکنان صدا و سیما در اغلب موارد کم تر از حقوق کارکنان روز مزد ساختمانی ست بدون آن که هیچ‌گونه مزایا یا تسهیلاتی (مرخصی، ناهار و...) در اختیار آنان قرارگیرد.

بر مبنای ضوابط ارشاد و صدا و سیما هرگونه تخلف از معیارهای معین در تولید فیلم و برنامه تلویزیونی علاوه بر آن که پاسخگویی تهیه کننده را به دنبال دارد، متخلف اصلی (کارگردان، تدوین‌گر، آهنگساز و حتا گریمر و...) را نیز به دادگاه تخلفات اداری کشانده و اخراج، تعلیق و عدم واگذاری پروانه کار را در پی دارد. نمایندگان مجلس دوره گذشته رژیم نیز مطابق همین روش، نویسندگان، عکاسان و گرافیست‌های مطبوعات را نیز پاسخگویی آثار خود کرده‌اند. به علاوه بر مبنای همین قانون جدید افرادی که سابقه فعالیت سیاسی مخالف علیه رژیم را داشته‌اند نه تنها حق اشتغال به کار رسمی در مطبوعات را ندارند (بر مبنای قانون قبلی) بلکه حتا اجازه چاپ آثار خود در مطبوعات را هم ندارند.

۳- از میان ۲۱ هزار کارمند صدا و سیما، ۱۴ هزار نفر حق‌الزحمه‌ای و ۳ هزار نفر قراردادی موقت (شرکت‌های وابسته به صدا و سیما) هستند مابقی قراردادی آزمایشی (۲ هزار نفر) و رسمی - آزمایشی (کمتر از ۲ هزار نفر) هستند، حق‌الزحمه‌ای‌ها تنها زمانی به گزینش اعزام می‌شوند که مجوز استخدام آنها وجود داشته باشد با اینحال بیش از ۹۰ درصد آنها در اولین مرحله گزینش مردود می‌شوند، به این ترتیب صدا و سیما از این فیلتر برای همسان سازی کارکنان خود و نیز استثمار مضاعف حق - الزحمه‌ای‌ها که همچون کارگران کنتراتی وارد کار می‌شوند و پس از اخراج جای آنها را نیروهای تازه نفس می‌گیرند، بهره می‌گیرد. گزینش صدا و سیما درسالهای اخیر شامل مصاحبه عقیدتی و سیاسی و تحقیقات محلی می‌شود. پس از آن از وزارت اطلاعات، دادگستری و نیروی انتظامی در باره متقاضی استعلام می‌شود، در این مرحله فرد دارای قرارداد کار موقت با صدا و سیما می‌شود که این قرار داد مطابق خواسته صدا و سیما تنظیم شده است و تابع هیچ ضابطه قانونی نیست و در صورت هرگونه تخلف می‌توان وی را اخراج کرد. در مرحله بعد متقاضی مجدداً به گزینش اعزام می‌شود تا ضمن بررسی دقیق شرایط وی و استعلام دقیق تر از مراجع داخلی و به ویژه حراست و رابطین گزینش در ادارات صدا و سیما در مورد صلاحیت وی تصمیم گیری شود. در اغلب موارد ممکن است حتا برخی از کارکنان ترجیح دهند که هرگز برای استخدام به گزینش اعزام نشوند و به همان حقوق روز مره قناعت کنند زیرا در موارد بسیار، کوچکترین موضوعی از جمله گزارشات بغض‌آلود جاسوسان گزینش سبب اخراج کارکنان می‌شود. در مرحله قراردادی آزمایشی متقاضی دارای قرارداد تعریف شده در قانون کار با صدا و سیما می‌شود و برای استخدام باید از دو مرحله رسمی - آزمایشی (اعزام مجدد به گزینش) و رسمی عبور کند که تقریباً کمتر کسی موفق می‌شود وارد این مراحل شود مگر آن که صدا و سیما تشخیص دهد وی کاملاً به مواضع راست افراطی تمایل دارد. در مطبوعات نیز معمولاً سردبیران ترجیح می‌دهند از افرادی که اسامی آنان در بولتن‌های محرمانه حزب الله و سپاه به عنوان "نفوذی" و "غیرخودی" (به عبارت دیگر دارای سابقه مبارزه سیاسی) آمده است در تحریریه‌ها استفاده نکنند زیرا مشخص است که ارگان‌های امنیتی - قضایی جناح راست همواره در پی بر ملا کردن سوابق روزنامه نگاران هستند که به طوری در این نشریات مقاله می‌نویسند.

## دریایی از پرجم های سرخ در فلورانس (فوروم اجتماعی اروپا) (ESF) علیه کاپیتالیسم

روزهای ۱۷ تا ۱۹ آبان سال جاری، فلورانس - ایتالیا میزبان صدها هزار تظاهرکننده علیه سرمایه‌داری بود. در این تظاهرات که یکی از عظیم‌ترین حرکت‌های اعتراضی نیروهای کمونیست و انقلابی علیه نظام سرمایه‌داری بود، با شرکت کارگران، زحمتکشان، کمونیست‌ها، نیروهای مترقی، سازمان‌های زنان و فعالین اتحادیه - ها همراه بود. تظاهرکنندگان - که پلیس تعداد آنها را نیم میلیون نفر و سازماندهندگان یک میلیون نفر اعلام کرده‌اند - با حمل پرچم های سرخ علیه نظام سرمایه داری که جز استثمار، فلاکت، بدبختی، فقر، بیکاری و جنگ چیزی برای کارگران و زحمتکشان به همراه ندارد، به تظاهرات پرداختند. «فوروم اجتماعی اروپا» که دربرگیرنده سازمان‌ها و جریانات و احزاب کمونیست و مترقی است با برپایی موفق این تظاهرات وسیع، برادعا - های پلیس ایتالیا و مقامات امنیتی ایتالیا که امکان برگزاری حرکتی وسیع را غیر ممکن می‌دانستند، مهرباطال گویند. چند روز قبل از این تظاهرات، رسانه های گروهی ایتالیا با پخش صحنه های مربوط به تظاهرات سال ۲۰۰۱ در شهر جنوا که منجر به کشته شدن یکی از تظاهرکنندگان شده بود، سعی در منصرف ساختن مردم زحمتکش از پیوستن به صفوف تظاهرات نمودند. علیرغم این تبلیغات، روز شنبه ۹ نوامبر، بیش از ۵۰۰ هزار نفر علیه نظام سرمایه داری فریاد برآوردند.

از آنجاکه فلورانس به مرکز هنری اروپا معروف است، تظاهرکنندگان نخست به طور سمبلیک، مجسمه‌های را به عنوان مظهر دمکراسی و صلح در میدان اصلی محل تجمع بالا بردند. سپس به پاس و گرامیداشت صلح، یک دقیقه سکوت اعلام شد. پس از آن صفوف تظاهرکنندگان به راهپیمایی در سطح شهر پرداخت و با حمل پرچم‌های سرخ و پلاکاردهایی که بروی آنها نظام استثمارگر و جنگ طلب محکوم شده بود، مخالفت خود را به نمایش گذاردند. اهالی شهر فلورانس طی روزهای ۱۷ تا ۱۹ آبان که میزبان خیل عظیم انقلابیون، کمونیست ها و کارگران و زحمتکشان اروپا بودند، با ساندویچ و چای از آنها پذیرایی می کردند. در مقایسه با سایر حرکات مشابه که طی سالهای گذشته در سیاتل، پراگ، کیک و... برگزار شده بود، حمایت اهالی از تظاهرکنندگان به حد قابل توجهی افزایش یافته بود. از هفته‌ها قبل از تظاهرات، کمونیست‌ها و انقلابیون ایتالیایی با تشکیل تیم‌های پذیرایی محلی، لیستی از داوطلبانی که حاضر به پذیرایی از میهمانان بودند تهیه کرده و طی روزهای فوق، در بسیاری از خانواده - های ایتالیایی در فلورانس، چند تن از تظاهرکنندگان به عنوان میهمان به سر بردند.

یکی از سخنگویان ESF به نام Claudia Jampaliga در مصاحبه‌ای با یکی از جراید اروپایی گفت: «تظاهرات امروز در مقایسه با حرکت قبلی ما از درجه بیشتری از بلوغ و رشد برخوردار بود. ما علاوه بر شکل دادن به این حرکت و استفاده از کلیه اشکال موجود جهت بسیج توده‌ای، تلاش کردیم که به مباحث اساسی دامن بزنییم. آلترناتیو سیاسی خود را در مقابل نظم موجود طرح ریزی و اعلام کنیم. از همین رو از چندی پیش با تاکید بر ۳ نکته کار خودرزمینه سیاسی را سرعت دادیم. . . یکی از مباحث مبارزه با جنگ طبیبی امپریالیسم بود که قرارمان بر این شد که روز ۱۵ فوریه ۲۰۰۳ را به عنوان روز مبارزه علیه جنگ اعلام کنیم. در این روز ما در پایتخت های کشور های

اروپایی، تظاهرات برپا خواهیم کرد و بر - آنیم که حداقل ۱۰ میلیون نفر را علیه جنگ افروزی های امپریالیست ها بسیج کنیم. چنانچه قبل از این تاریخ، جنگی رخ دهد، طبیعتا ما نیز اعتراضمان را جلو خواهیم انداخت. . . . یکی دیگر از عواقب شوم نظام حاکم حمله وسیع به دستاوردهای کارگری است، آنچه امروزه در اروپا می‌رود که به نرم تبدیل شود قرارداد‌های موقت است، در اعتراض به این مسئله و جهت جلب توجه عمومی به این خطر، ما روزی را بدین منظور اختصاص می‌دهیم. . . مسئله دیگر، تأثیرات گلوبالیزاسیون بر حقوق و دستاوردهای زنان است. . . روی کار آمدن دولت های سانتر - راست در برخی از کشورهای اروپا، می‌رود تا به حمله وسیع به دستاوردهای زنان از جمله حق سقط جنین دست بزنند. . . علاوه بر این، هنوز زنان در اروپا ۲۰ درصد کمتر از مردان دستمزد و حقوق دریافت می‌کنند. . . وضعیت زنان کشورهای جنوب به مراتب وخیم تر است. . . از همین رو ما پیشنهادی را که در آلترناتیو مورد نظرمان گنجانده‌ایم این است که معیاری برای سنجش مشارکت زنان تعیین کنیم. سازمان تجارت جهانی و نهادهای مشابه که ادعای حمایت از مشارکت زنان را دارند قاعدتا نباید مخالفتی با پیشنهاد ما که برآیند مباحث طولانی و تخصصی سازمانهای زنان است، باشند. مادر پیش نهاد - مان طرح کرده‌ایم که نسبت مشارکت زنان در بازار کار، فعالیت های فرهنگی، سیاسی و... ۴۰ به ۶۰ باشد. طرح چینی معیاری دیگر جایی برای بحث و فحص های دروغین نمی‌گذارد و راه برای تشکیل و تقویت سازمان های غیردولتی زنان (NGO) - به معنای واقعی کلمه - هموار می‌شود. . . آن چه ما تا به حال شاهد بوده‌ایم، این است که دولت‌ها برای دریافت وام و اعتبارات مالی از نهادها و ارگانهای امپریالیستی، ظاهرا وعده حمایت و تشویق تشکیل NGO را می‌دهند اما خصوصا در کشورهای که بویی از دمکراسی نبرده اند، سازمان های دست ساخته جای NGO را می‌گیرد. لذا مکانیزم پیشنهادی ما برای مقابله با چنین ترفندهایی است. . . . کلودیا در بخش دیگری در مصاحبه ضمن ابراز خوشنودی از روند انسجام و اتحاد بین نیرو - های تشکیل دهنده ESF، تظاهرات فلورانس را «گامی سنجیده و استوار» نیروهای انقلابی علیه نظام سرمایه داری نامید. لازم به ذکر است که پلیس ایتالیا با شناسایی برخی از رهبران و فعالین و سازماندهندگان تظاهرات - های ضد امپریالیستی در جنوا، همزمان با برگزاری تظاهرات در فلورانس به دستگیری دهها تن از آنها پرداخت. در اعتراض به این دستگیری ها، روز شنبه ۱۶ نوامبر دهها هزار نفر در شهرهای رم، فلورانس و ناپل دست به راهپیمایی زدند و خواهان آزادی دستگیر شدگان شدند.

همچنین همزمان با برپایی نشست سازمان تجارت جهانی روز ۱۵ نوامبر هزاران تن در سیدنی - استرالیا دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان به راه پیمایی به سوی محل برگزاری اجلاس پرداختند. در جریان راه - پیمایی، پلیس برای مقابله با تظاهرکنندگان و ممانعت از نزدیک شدن آنها به محل اجلاس به صفوف آنها حمله ور شد که به مجروح شدن چند تن و دستگیری ۳۵ نفر انجامید.

## خلاصه ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

در تاریخ ۲۱ آبان ماه، سازمان، اطلاعیه‌ای در ارتباط با اعتراضات دانشجویی انتشار داد. در این اطلاعیه گفته شده است که در چند روز اخیر، در پی صدور حکم اعدام آغاچری تجمعات اعتراضی متعددی در تعدادی از دانشگاهها برپا شده است. اطلاعیه با تاکید بر جنبه سیاسی مطالبات و مبارزات دانشجویان در چند سال اخیر و مخالفت آشکار آنها با اختناق و سرکوب، تصریح می‌کند که به رغم تلاش گروههای دروغداری برای کنترل و مهار این جنبش و محدود کردن مطالبه دانشجویان به اعتراض علیه حکم اعدام آغاچری، اعتراض اکثریت بزرگ دانشجویان به سرکوب و اختناق در کلیت آن و تمامیت حکومت اسلامی است. اعتراض دانشجویان به تمام وحشی‌گری‌ها و اعدام‌ها و سرکوب‌های رژیم است و نه یک مورد آن. دانشجویان تمام احکام فرمایشی بیدادگاههای حکومت اسلامی را محکوم می‌کنند، خواهان آزادی تمام زندانیان سیاسی از جمله انسانهای مبارزی امثال ناصر زرافشان هستند. اطلاعیه با استناد به سرکوب جنبش دانشجویی ترمه ۷۸ توسط هردو جناح، می‌گوید که جنبش دانشجویی در عمل و در تجربه آموخته است که به هیچ جناحی از حکومت اعتماد نکند و به مبارزه خود تا سرنگونی تام و تمام حکومت ادامه دهد. راهپیمایی کارگران لیاف و اسفنج شیروان، عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ ۲۶ آبان ماه انتشار یافت. در این اطلاعیه خبر از راهپیمایی کارگران کارخانه‌های لیاف و اسفنج در شیروان داده است. اطلاعیه می‌گوید که اعتراض کارگران به تعطیلی این کارخانه و پرداخت نشدن حقوق و مزایای آنها در چند ماه اخیر است. این راهپیمایی کارگران به سوی مرکز شهر مورد یورش پلیس ضد شورش قرار گرفت. در همین اطلاعیه گفته شده است که در چند روز اخیر اقدامات اعتراضی مشابهی در برخی شهرهای دیگر ایران صورت گرفته است. چند روز پیش گروهی از معدن کاران هتن آباد اصفهان با تجمع در مقابل سازمان صنایع و معادن اصفهان نسبت به تعطیلی برخی معادن که به بیکاری چندین هزار کارگر منجر خواهد شد، اعتراض نمودند. کارگران تهدید کردند که اگر به خواست آنها پاسخ داده نشود، دستجمعی به سوی تهران راهپیمایی خواهند کرد.

اطلاعیه سازمان، ضمن حمایت از مبارزات کارگران، اقدامات سرمایه داران را که می‌کوشند با اخراج کارگران، با بحران اقتصادی را بردوش آنها قرار دهند، محکوم کرده است.

تشکیلات خارج کشور سازمان، در تاریخ ۱۰/۱۱/۲۰۰۲، اطلاعیه‌ای تحت عنوان «خودکشی یک پناهجو در اعتراض به وضعیت خود و دیگر پناهجویان در ترکیه» انتشار داد. اطلاعیه تشکیلات خارج کشور سازمان می‌گوید، هزاران تن از پناهجویان ایرانی و دیگر نقاط خاور میانه از فرط فشار و حاکمیت‌های ارتجاعی خود را به کشورهای دیگر از جمله ترکیه می‌رسانند در بلا تکلیفی و وضعیت بد زیستی به سر می‌برند. دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در آنکارا پرونده های پناهجویان را بدون رسیدگی و مطالعه دقیق مردود اعلام می‌کند. اطلاعیه سپس می‌افزاید که امروز کامران فرمانده، پناهجوی ایرانی در اسکی شهر در اعتراض به وضعیت خود و دیگر پناهجویانی که در این کشور هستند، دست به خودکشی زد و متأسفانه بخت زیادی برای زنده ماندن ندارد.

اطلاعیه سپس ضمن اعتراض به بی مسئولیتی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان خواهان انجام اقدامات فوری برای رسیدگی به وضعیت پناهجویان و نجات جان آنها شده است.

## این نظام کهنه و ارتجاعی را ، (شرایط فوق العاده) هم نجات نخواهد داد!

در حال حاضر نیز این سیاستها به نفع جناح خامنه‌ای نیست. مزید بر آن، شرایط بین - المللی، تداوم شیوه‌ها و سیاست‌های پان اسلامپستی و دخالت‌گرانه تاکنونی رژیم را که عمدتاً از کانال این جناح هدایت و دنبال می‌شود، دایما زیر سوال برده است. طی چند سال گذشته، جناح مسلط حکومتی، متدرجا و بیش از پیش در انظار بین المللی رسواتر و ایزوله تر شده است. دست کم این که در این زمینه، و نیز برای ابقاء و دوامش در شکل و شمایل پیشین، اگر نتوانیم بکلی بی اقبال است، اما یقیناً اقبال چندانی هم ندارد. در زمینه مسایل داخلی نیز اوضاع تقریباً به همین شکل است. بحران سیاسی و تضادها و اختلافها بیش از پیش تشدید شده است. شرایط به سمت وخیم تر شدن اوضاع و به زیان این جناح پیش می‌رود. هم اکنون اوضاع به گونه‌ای است که انبوه کارگران و زحمتکشان و رنج کشیدگانی که سالهاست از جناح فوق ارتجاعی حکومتی شدیداً منجر و متفرند و اساساً به نفع همه جناح‌های حکومتی و کلیت ارتجاع حاکم می‌اندیشند، مستقل از این جناح‌ها و امیال آنهاست به مبارزه آشکارا اعتراضی می‌زنند. مبارزاتی که در شکل جنبش اعتراضی کار-گران، جنبش اعتراضی دانشجویان، جنبش اعتراضی در محلات و اعتراضات زنان و جوانان، دایما در حال تعمیق و گسترش است. و فقط این نیست، مجموعه شرایط و اوضاع سیاسی داخلی و بین المللی به نحوی است که تحرکات به اصطلاح اصلاح طلبان که در عین حال از حمایت‌های بین المللی برخوردارند نیز می‌تواند به ابزار بویانه‌ای برای شورش و قیام‌گرسنگان تبدیل شود. چرا که این تحرکات بر بستر نارضایتی عمیق توده‌هایی که از هرفرصتی برای شورش و اعتراض خیابانی استفاده کرده اند و استفاده می‌کنند، می‌تواند اعتراضات وسیع کارگران و تهری دستان و انبوه گرسنگان جامعه را به دنبال داشته باشد و همچون جرقه‌ای در انبار باروت، جامعه را به انفجار بکشد. وحشت از چنین چشم‌اندازی است که جناح مسلط حکومتی را به جایی رسانده است که رهبرش برای حفظ موقعیت‌های جناح و برای جلوگیری از فرو - پاشی کل نظام به چاره جویی بنشیند و چاره را نیز طبق روال همیشگی در تیزتر کردن سرنیزه‌ها یافته است.

هرچند کشتار و سرکوب انقلابیون و آزادی خواهان و مخالفین، در ماهیت نظام ارتجاعی حاکم است و این جناح و آن جناح نمی‌شناسد، معهذاً اقدامات سرکوب‌گرانه اخیر رژیم، منجمله موج‌اعدام‌های جدید، حلق‌آویز کردن جوانان در ملاء عام، سنگسار زنان، حبس

و محکومیت‌های سنگین آزادیخواهان و انتقاد - کنندگان و امثال اینها را باید در همین رابطه ارزیابی نمود. صدور حکم اعدام آغا جری "جانناز جنگ‌تحمیلی"، مدافع اسلام و جمهوری اسلامی، به جرم اهانته به مقدمات و اسلام و دستگیری و حبس عباس عیدی دانشجوی سابق خط امام، یکی از عناصر اصلی حمله به "لانه جاسوسی" و افشاء کننده پرونده کسانی که برای "بیگانگان" جاسوسی می‌کردند، به جرم جاسوسی برای بیگانگان و ارتباط با موسسه نظر سنجی "گالوپ"، اساساً در دایره‌ی همین اهداف و سیاست‌ها جامی‌گیرد، هرچند که جناح مسلط حکومتی اهداف جانبی‌تری را نیز دنبال می‌کند.

باید در نظر داشت که این رویدادها زمانی دارد اتفاق می‌افتد و خامنه‌ای زمانی دارد تهدید می‌کند و خط و نشان می‌کشد، که طرفداران خاتمی در مجلس که اکثریت را نیز تشکیل می‌دهند لایحه رئیس جمهور برای کسب اختیار بیشتر را از تصویب گذرانده‌اند و پیرامون حدود اختیارات شورای نگهبان و مسئله نظارت استصوابی همچنان به بحث و مجادله مشغولند. تاجایی که احمد جنتی دبیر شورای نگهبان در نامه‌ای به گروهی رئیس مجلس "هتاک" نمایندگان نسبت به شورای نگهبان را مورد اعتراض قرار داد.

صدور حکم اعدام آغاجری، دستگیری و حبس عباس عیدی باید به جناح مقابل هشدار می‌بود که حساب کار خود را بکند و سطح خواست‌های خود را دقیقاً طبق امیال رهبر که در نطق وی نیز انعکاس یافت تنظیم کند. خامنه‌ای در حضور سران سه قوه و مسئولین حکومتی گفته بود "وفاق عمومی و تسلیم شدن مسئولان در مقابل ساختار کلی نظام از جمله وظایفی است که باید به آنها کاملاً توجه کرد!" آما سوای مهار کردن جناح خاتمی، هدف مرکزی این اقدامات همان طور که پیش از این نیز اشاره شد، ترساندن مردم بود. مردم باید از این گونه اقدامات چنین نتیجه می‌گرفتند که وقتی که رژیم با نیرو - های خودی و دوستداران خودش که سالهای متمادی در خدمت آن رکاب زده و نیرو وانرژی خود را برای تحقق اهداف آن هزینه کرده‌اند، چنین رفتار می‌کند، دیگر تکلیف مردمی که غیرخودی اند و از این رژیم متفرند روشن است. بدین ترتیب از ترس مجازات‌های سنگین و شدید باید زبان درکام نهند، لب به اعتراض نگشایند و فکرشورش و قیام را از سر بیرون کنند.

با این همه باید گفت، سیاست تشدید سرکوب و خفقان برای نخستین بار نیست که اتخاذ

صفحه ۳

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

**آلمان**  
K. A. R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

**اتریش**  
Kar  
Postfach 260  
1071, Wien  
Austria

**دانمارک**  
I. S. F  
P. B. 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

**سوئد**  
M. A. M  
Postbox 1144  
75141 Uppsala  
Sweden

**سوئیس**  
Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

**فرانسه**  
A. A. A  
MBE 265  
23, Rue Lecourbe  
75015 Paris  
France

**کانادا**  
K.Z  
P.O. BOX 2488  
Vancouver B.C  
V6B 3W7  
Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایند

**I.W.A**  
6932641 Postbank  
Holland

### شماره‌های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org



Organization Of Fedaian (Minority)

No.393 nov 2002

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**